

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

العاشر: تعمد القی و إن كان للضرورة من رفع مرض أو نحوه، و لا بأس بما كان سهواً أو من غير اختيار، والمدار على الصدق العرفی، فخرج مثل النوات أو الدود لا يعد منه.

دهمین از مفطرات صوم قی کردن عمدی می باشد اگر چه برای ضرورتی مثل رفع مرض و غیره باشد، و اگر سهواً مثلاً فراموش کرده که روزه است و یا قهراً و غیر اختیاری قی کند اشکالی ندارد و روزه اش صحیح است، و ملاک و میزان در قی کردن صدق عرفی می باشد یعنی عرفاً بگویند که شخصی قی کرده است فلذا اگر فقط هسته و یا کرمی را قی کرد و چیز دیگری همراه آنها نبود اشکالی ندارد زیرا عرفاً به اینها قی نمی گویند، و کلمه تعمد که صاحب عروة آورده اند به این خاطر است که در روایات ما تعبیر به تعمد شده مثلاً در روایت گفته شده: «ذرعہ آی حصل قهراً» یعنی اگر عمداً به اختیار خودش قی کند روزه اش باطل می شود و إلا فلا.

خوب این مسئله هم بین فقهای خودمان و هم بین ما و عامه اختلافی می باشد فلذا شیخ طوسی در ص ۱۷۸ از جلد ۲ خلاف طبع جدید در مسئله ۱۹ می فرمایند: «إذا تقياً متعمداً وجب عليه القضاء بلا كفارة، فإن ذرعه القی فلا قضاء عليه أيضاً، و هو المروى عن علی (ع) و عبدالله بن عمر، و به قال أبو حنيفة، والشافعي، و مالك، والثوري، وأحمد، وإسحاق، وقال ابن مسعود وابن عباس: لا يفطره على حال وإن تعمد... إلى آخر. دليلنا: إجماع الطائفة والأخبار التي رويناها في الكتاب الكبير وطريقة الاحتياط تقتضيه أيضاً، فإنه إذا قضى برئت ذمته بيقين، فأما إيجاب الكفارة فلا دليل عليه والأصل براءة الذمة و

روی أبو هريرة قال: قال رسول الله (ص): «من ذرعه قی و هو صائم فليس عليه قضاء وإن استقیاً فليقض». إجماعهای شیخ در خلاف نوعاً جدلی است یعنی اینکه ما با خصم مناظره می کنیم و می گوئیم که با تکم تجرّ و باننا لاتجرّ، یعنی همچنانکه شما بین خودتان به اجماع تکیه می کنید دلیل ما هم اجماع است، و مراد از کتاب کبیر تهذیب می باشد. علامه در ص ۲۸ از جلد ۶ تذکره طبع جدید و ص ۷۹ از جلد ۹ منتهی همین بحث را مطرح کرده است. اما علامه در ص ۲۸۹ از جلد ۳ مختلف الشیعه در مسئله ۳۹ می فرمایند: «المشهور بین علمائنا أن تعمد القی یوجب القضاء خاصة و إن ذرعه لم یجب شیء، ذهب إليه شیخان و ابن أبی عقیل و... إلى آخر و نقل السيد عن بعض علمائنا أنه یوجب القضاء و الكفارة وعن بعضهم أنه ینقص الصوم و لا یبطله و قال: هو الأشبه». سید مرتضی می فرماید که بعضی از علماء ما قائلند که هم قضا دارد و هم کفاره ولی صاحب جواهر این حرف را قبول نمی کند و می فرماید که چون در نصوص ما گفته شده: فعليه القضاء ما هم تبعاً للنصوص می گوئیم که فقط قضا دارد دون الكفارة و بعد سید مرتضی می فرماید که این کار ثواب روزه را کم می کند ولی موجب بطلان آن نمی شود یعنی مکروه است. ابن ادریس هم می فرماید که نه قضا دارد و نه کفاره و این شخص فقط اشتباهی مرتکب شده که به روزه اش ضرری نمی رساند بنابراین تقریباً ابن ادریس همان حرف سید مرتضی را می زند. ابن رشد اندلسی که سنی می باشد در ص ۲۸۲ از جلد اول کتاب بداية المجتهد ونهاية المقتصد گفته است: «و أما القی، فإن جمهور الفقهاء على أن من ذرعه القی فليس بمفطر و جمهورهم على أن من استقیاً ففانه مفطر» تقریباً عمده فقهای عامه مثل ما قائل هستند. و بالاخره صاحب جواهر در ص ۱۹۰ از جلد ۱۷ جواهر این بحث را مطرح کرده است، ما آدرسها را عرض کردیم تا انشاء الله شما مراجعه و مطالعه کنید.

۲۹ این خبر است: « و عنه ، عن أبيه ، عن القاسم بن محمد الجوهري ، عن سليمان بن داود ، عن سفیان بن عیینة ، عن الزهري ، عن علي بن الحسين (ع) قال : و أما صوم الإباحة فمن أكل أو شرب ناسياً أو تقياً من غير تعمد ، فقد أباح الله له ذلك و أجزأ عنه صومه . »
 جوهری وناقشش ثابت نیست و سفیان بن عیینة هم از علمای اهل سنت می باشد و زهری هم که درباره اش توضیح دادیم ، و صوم اباحه یعنی صومی که حرام و باطل نیست بلکه جایز است یعنی در برابر صومی است که اگر انسان در آن یک مفطری را انجام دهد باطل می شود ، و خبر دلالت دارد بر اینکه اگر کسی عمداً قی کند روزه اش باطل می شود .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

خوب اما اخبار مربوط به این بحث در باب ۲۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی ذکر شده است ، صاحب وسائل ۱۰ خبر در این باب ذکر کرده است که ما اول خلاصه آنها را بیان می کنیم و بعد اگر لازم شد چند تا از آنها را می خوانیم .
 خبر اول از باب ۲۹ صحیح حلی عن أبي عبدالله (ع) می باشد که در آن گفته شده: « إذا تقياً الصائم فقد أفطر » . خبر دوم باب که سنداً ضعیف است خبر زهری می باشد ، محمد بن مسلم بن شهاب زهری که از علمای بزرگ سنی ها بوده در زمان امام سجاد(ع) زندگی می کرده و در کتاب تحف العقول در چند صفحه نامه ای از امام سجاد(ع) را آورده که خطاب به زهری می باشد و در آن نامه زهری مورد ذم حضرت واقع شده است نامه ای که به ما می فهماند که علمای سوء چقدر در پیشرفت و سلطه جباران و مستکبرین نقش دارند ، خلاصه این خبر ضعیف است ولی دلالت دارد بر اینکه قی اگر عمداً باشد روزه را باطل می کند و إلا فلا .
 خبر سوم باب هم از حلی است و سنداً صحیح می باشد: « عن أبي عبدالله (ع) إذا تقياً الصائم فعليه قضاء ذلك اليوم » . خبر چهارم باب هم صحیح معاویة بن عمار می باشد و دلالت دارد بر اینکه اگر عمداً قی کند روزه اش باطل می شود . خبر پنجم باب که موثقه سماعه است و خبر ششم که سنداً صحیح می باشد هم بر مانحن فیه دلالت دارند . خبر هفتم باب که در آن گفته شده ؛ عن بعض اصحابنا هم بر مانحن فیه دلالت دارد . و اما خبر هشتم باب برخلاف آنچه که تاکنون گفتیم دلالت دارد که باید بگوئیم که این خبر حمل بر تقیه می باشد .

خوب اما خبر اول باب ۲۹ این خبر است: « محمد بن يعقوب ، عن علي بن ابراهيم ، عن أبيه ، و عن محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد جميعاً ، عن ابن أبي عمير ، عن حماد ، عن الحلبي ، عن أبي عبدالله (ع) قال : إذا تقياً الصائم فقد أفطر ، و إن ذرعه من غير أن يتقياً فليتم صومه » . کلینی تا نصف سند از یک استاد نقل می کند و بعد به هم پیوند می خورند و می شود یک خبر و همانطور که می بینید دلالت خبر بر مانحن فیه واضح و روشن است . اما خبر دوم باب